

# ارزیابی برنامه‌ها و سیاست‌های دامی کشور

از: ناصر صداقت نژاد

پس از ترسیم سیمای نظام دامداری کشور، میزان ضایعات دامی و وضعیت تولید و مصرف فرآورده‌های دامی که در شماره‌های گذشته، به چاپ رسید، در این شماره برنامه‌ها و سیاست‌های دامی کشور پس از انقلاب و بخصوص «برنامه پنجساله اول» و «برنامه افزایش تولید کشاورزی» ارزیابی و تجزیه و تحلیل شده است.

خواهد کرد، اما باز کمبود مواد پروتئین زاد در جامعه قابل لمس است و نمی‌توان از آن چشم پوشید. باروندرشد فعلی جمعیت در آینه نزدیک (سال ۱۳۷۰) کشور ما نیاز به ۳۴۰۰ هزار تن گوشت خواهد داشت که این مقدار در سال ۱۳۸۵ یعنی بیست سال آینده به ۶۱۲۰ هزار تن خواهد رسید و با توجه به اینکه توان تولید گوشت کشور در سال ۱۰۵۰۰۶۵ هزار تن بوده، این کمبود در مقایسه با ۴ سال آینده یعنی سال ۷۰ رقمی معادل ۲۳۵۰ هزار تن را نشان می‌دهد که بیش از دو برابر تولید فعلی است. بر همین اساس رشد کند تولیدات گوشتی کشور نمی‌تواند خلاء این کمبودها را پر کند. به ویژه اینکه با خاتمه‌ی سال ۶۶ از یک برنامه میان‌برد (دهساله) نیز عقب می‌باشیم (جدول شماره ۳).

## برنامه پنجساله اول در زیربخش دام و طیور

ارزشیابی کار شناسانه‌ی «سیاست دامی کشور» با نگرشی مجموعه‌ای نسبت به کم و کیف مسائل آن و مربوط سازی و اصلی و فرعی کردن راه حل‌های ممکن برای برون رفت از وضعیت فعلی، نیازمند سیاست گذاری جامعی است که بتوان براساس آن رهنمودهایی عملی مبتنی بر توان اجرایی و حدود امکانات موجود تدارک دید. برخورد آرمانشهری (اتوپایی) بویژه چفت و بست کردن ارقام عملاً کاری از پیش نخواهد برد.

اولین برنامه ریزی در کل کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برنامه پنجساله (۱۳۶۲-۶۶) بود که در اینجا اشاره‌ای کوتاه به نارسایی‌های این برنامه در بخش کشاورزی، بویژه در زیربخش دام و طیور خواهیم داشت.

در این برنامه نقیصه نامشخص بودن استراتژی کلی توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور، به استراتژی توسعه کشاورزی نیز سرایت کرده و هر چند کشاورزی به عنوان محور توسعه (شاخه‌ی پیشرو) قلمداد شد، اما اهداف کمی و کیفی توسعه کشاورزی فاقد جایگاه مشخص در برنامه کلان توسعه بود. همچنین تناقضهای زیادی در آن مشاهده می‌شد که صحت تناقضات را خود برنامه نشان میدهد.

«تقویت دامداریهای سنتی از طریق بهبود وضع تغذیه و ارائه خدمات فنی و بهداشتی»، یکی از جنبه‌های برنامه و «خروج دام از مراتع در طی ۲

واردات در کل واردات کشور نیز از ۳ درصد در سال ۴۶ به ۸ درصد در سال ۵۰ و ۱۰/۵ درصد در سال ۶۴ افزایش یافته است. (۴۳) به عبارت دیگر در مدتی کمتر از ۲۰ سال ارزش واردات مواد غذایی کشور ۴۵ برابر شده است.

مقایسه‌ی واردات فرآورده‌های لبنی و گوشت قرمز طی دهه‌ی اخیر نمایانگر این است که واردات لبنیات کشور از ۵۲ هزار تن به ارزش ۶۲۲۱ میلیون ریال در سال ۵۴ به ۲۰۷ هزار تن به ارزش ۳۱۲۴۳ میلیون ریال در سال ۶۳ افزایش پیدا کرده و عدد شاخص آن در مورد حجم از ۱۰۰ در سال پایه (سال ۵۴) به ۳۹۸، و از لحاظ ارزش به ۵۰۲ در سال ۶۳ رسیده است.

واردات گوشت قرمز نیز تنها در دهه‌ی اخیر (۱۳۵۴-۶۴) از ۷۶ هزار تن در سال ۵۴ (سال پایه) به رقمی نزدیک به ۲۰۰ هزار تن در سال ۶۴ رسیده است. یعنی در حالیکه عدد شاخص تولید گوشت قرمز از ۱۰۰ در سال پایه (سال ۵۴) به ۱۳۵ در سال ۶۴ رسیده که نشان دهنده رشدی معادل ۳۵ درصد می‌باشد، شاخص واردات گوشت قرمز، به عدد ۲۴۲ رسیده و رشدی معادل ۱۴۲ درصد داشته است.

بنابراین رابطه‌ی بین واردات و تولیدات گوشت قرمز همطراز نبوده و رشد واردات ۱۰۷ درصد بیشتر از رشد تولیدات در ده سال اخیر بوده است (جدول شماره ۲).

توان تولید انواع گوشت (قرمز و سفید) کشور در سال ۶۵ (۴۴) با حداکثر ظرفیت تولیدی ۱۰۵۰ هزار تن تخمین زده شده که اگر این مقدار تولید را با جمعیت پنجاه میلیونی و مصرف ۲۳/۳ گرم پروتئین حیوانی در روز برای هر نفر (حداقل استاندارد جهانی) در نظر بگیریم، نیاز سالانه پروتئین حیوانی برای هر فرد ۸/۵ کیلوگرم و برای جمعیت پنجاه میلیونی ۴۲۵ هزار تن خواهد شد. و از آنجایی که یک کیلوگرم گوشت حاوی ۱۵۰ گرم پروتئین حیوانی است، در نتیجه نیاز گوشتی کشور برای تامین این جمعیت بالغ بر ۲۸۳۳ هزار تن از انواع گوشت خواهد بود و با توجه به حداکثر توان تولید گوشت کشور ۱۰۵۰ هزار تن است که کمبودی معادل ۱۷۸۳ هزار تن گوشت را در شرایط فعلی نشان می‌دهد. البته اگر تولید تخم مرغ (۳۰۰ هزار تن در سال ۶۴) و شیر خام (۳/۵ میلیون در سال ۶۴) که حاوی پروتئین حیوانی می‌باشند را مد نظر قرار دهیم، رقم نیاز پروتئین کمی کاهش پیدا

● برنامه ریزی، طراحی و سیاست گذاری واقع بینانه در زیربخش دام و سمت دهی کلیه امکانات موجود در آن راستا قطعاً اثراتی از قبیل: رونق صنعت دامداری و دامپروری، توسعه‌ی نظام دامداری سنتی (روستا - عشایری)، ایجاد فضای سالم اشتغال و درآمد مناسب، افزایش تولیدات گوشتی و لبنی، تغییر الگوی مصرف مواد غذایی به اعتبار افزایش تولیدات (نزدیک شدن به تغذیه‌ی استاندارد)، تغییر در گردش بازرگانی خارجی (کاهش واردات مواد غذایی و صرفه جویی ارزی)، کاهش و مهار بیماریهای دامی به ویژه بیماریهای مشترک انسان و دام (سالم سازی بهداشت زیستی) و... را به دنبال خواهد داشت.

به طور کلی وجود یک برنامه ریزی هدفمند و جهت دار (عملی و نتیجه بخش) که توانایی استفاده‌ی همه جانبه‌ای از منابع بالفعل و بالقوه را - براساس ظرفیت‌های درونی و نیازهای جامعه - داشته باشد، بیش از پیش احساس می‌شود و این نکته را باید توضیح داد که برنامه ریزی ضمن یک هم پیوندی ضروری، باید در کادر رشد و توسعه‌ای گسترده و ژرف آنها در تمام شاخه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی... همگام با شاخص‌های زیرین هر بخش شکل بندی شود تا نه تنها تضمینی عملی برای پیشبرد و اعتلای اقتصاد ملی بوده، بلکه به وجود آورنده‌ی تغییراتی ساختاری و دگرگون کننده باشد تا نتایج این فرآیند (تغییرات ساختاری) مصداق عینی پیدا کنند، در غیر این صورت کاری قابل ملاحظه و درخور انجام نگرفته است.

دورنمای جمعیتی کشور در بیست سال آینده با توجه به روند رشد فعلی (۴۱) که روزانه قریب به ۵۵۰۰ نفر به آمار آن افزوده می‌شود، از یکطرف عدم وجود سیاست جمعیتی را می‌رساند و از طرفی در آتیه نزدیک سقف تقاضای مواد غذایی جامعه را با رشد فزاینده‌ای مواجه خواهد ساخت که بالطبع اگر شتابی در افزایش تولیدات مواد غذایی و مشخصاً مواد کالری زا (گوشت و فرآورده‌های لبنی) حاصل نشود، بیش بینی دو تابلو قطعی خواهد بود. تابلوی اول بیانگر تصویر وابستگی کشور به انحصارات جهانی (بلوک سرمایه‌داری) برای تامین مایحتاج غذایی و تابلوی دوم سوء تغذیه‌ی عمومی به دلیل نقصان تولیدات داخلی است.

به ناچار به خاطر اینکه وابستگی وارد مرحله‌ی جدیدی نشود و توان فیزیکی نیروی انسانی جامعه به خطر نیفتد و اضافه بر اینها تا منابع و امکانات طبیعی و ملی کشور رو به تحلیل نرفته و توان مالی برای سرمایه گذاری‌های بنیادی کاهش نیافته، جا دارد مسئولین و مدیریت جامعه چاره‌ای اساسی و عملی برای حل این گونه مشکلات اتخاذ کنند. زیرا در آینده نزدیک بحران‌های شدیدی در پی این قبیل معضلات فراهم خواهد شد که مقابله با آنها به سادگی اسکان پذیر نخواهد بود. نیم نگاهی آماری به واردات مواد غذایی تاکید مجدد بر این مسأله را علنی تر می‌سازد. طی دهه‌ی چهل و پنجاه واردات مواد غذایی به لحاظ ارزش و سهم آن در کل واردات کشور با افزایش زیادی رو به رو بوده، برای نمونه واردات مواد غذایی از ۳۵ میلیون دلار در سال ۴۶ به ۱۷۱ میلیون دلار در سال ۵۰ و بالاخره به ۱۵۸۷ میلیون دلار (۴۲) (معادل ۱۱۹ میلیارد ریال) در سال ۶۴ رسیده است. سهم این

سال اولیه برنامه «جنبه دیگر است» که معلوم نیست چه تعداد از جمعیت دامی باید از مراتع خارج شوند و بعد باید به کجا برده شوند. از طرفی چون چهار جوب توسعه نظام دامی مشخص نیست، در نتیجه دام سنتی که کمیت قابل ملاحظه‌ای دارد، فدای این برنامه خواهد شد، و لطمه‌ی اساسی را دامداری سنتی عشایری متحمل می‌شود. گو اینکه تقویت آن نیز مدنظر برنامه ریزان بوده است. دامداری سنتی در ایران سرشتی آغشته با مرتع دارد و بدون آن امکان بقا ندارد. تامین مواد غذایی از کانالی دیگر نیز در واقعیت، تنها تلاشی در راه توجیه قضایاست و بیش از این اعتباری با خود حمل نمی‌کند. به فرض غلبه بر تمام مشکلات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی که از نتایج خارج کردن تعدادی از دامها از سطح مراتع خواهد بود، به راستی چگونه و با چه وسائل و علوفه وارد و توزیع خواهیم کرد. شواهد در سال ۶۳ نشان داد که توزیع حدود ۱۵۰ هزار تن «جو» وارداتی، به دلیل عدم توانایی پرسلی، حمل و نقل و... بسیار بد انجام شد و بخشی از آن نیز اصلا توزیع نشد و عملاً دامداران خرده با وضعیت از آن بهره‌ای نبردند. (۴۵)

از دیگر اشکالات این برنامه را می‌توان مشخص نبودن سهم و نقش بخش کشاورزی در سه جامعه شهری، روستایی و عشایری، نبود جدول داده‌ها و ستانده‌ها (جدول مبادلات بین بخش و بخشی کلان)، عدم نوگرایی در ساختار اجرایی برنامه‌ها و تبعیت از برنامه‌های گذشته، گستردگی حجم عملیات برنامه‌ها و عدم تطابق آن با توان اجرایی و فنی دستگاههای مجری و در عین حال کوچک بودن میدان برنامه ریزی در ارتباط با نیازهای جامعه، عدم همسویی روشهای اجرایی برنامه با ویژگیهای ساختار اقتصادی اجتماعی کشور، عدم تامین نیازهای مالی، فیزیکی، تجهیزاتی و انسانی پیش بینی شده در برنامه و نبود برنامه مشخص برای تامین این نیازها و... را بر شمرده که هر کدام از نارسایی‌های فوق برداشتی خاص خود را دارد که در این مقاله قابل تشریح و گسترش نیست.

علاوه بر نارسایی‌های فوق، ابهام در تعریف «خودکفایی» و نداشتن تعریف روشن و عملی و قابل دسترسی از آن، برنامه اول توسعه کشاورزی را در ابهام نگه می‌دارد، و می‌توانیم تعبیر «حرکت بدون چشم انداز» را برای آن به کار ببریم. خودکفایی اولاً امری نسبی و دور یاب است و هیچگاه در مقاطع میان مدت به دست نمی‌آید، همچنین امری یک جانبه نیست و بایستی ظرفیت‌های مالی، فیزیکی، تجهیزاتی، فنی، انسانی و... به گونه‌ای هماهنگ و همبسته پیشروی کنند که رشدی موزون با پراکنشی هم سطح و هم جهت را عاید سازند. گویا مسئولین برنامه ریز کشاورزی تنها خودکفایی را در چند محصول آنهم به اعتبار خودکفایی در واردات کود، سموم، بذور، ماشین آلات و ادوات و نیروی انسانی خارجی می‌بینند. نیازهای ارزی در برنامه اول توسعه کشاورزی برای ماشین آلات و ادوات کشاورزی و دامپروری بالغ بر ۲/۶ میلیارد دلار، نهاده‌های کشاورزی (کود، سم، بذور) ۹۹۵ میلیون دلار، برآورد شده و در ثانی پرسنل مورد نیاز در سطح کارشناس و کمک کارشناس بالغ بر ۱۳۸ هزار نفر اعلام شده (۴۶) که باز جا دارد بر تدوین کنندگان برنامه خرده بگیریم

که آیا خودکفایی فرضی در چند محصول، ارزش وابستگی جدیدتری را دارد؟ اگر قرار است خودکفایی روزی تحقق پیدا کند، باید اثرات آن را در سایر بخشها و بطور کلی در کلیه عرصه‌های تولیدی و غیر تولیدی (آنهم بطور نسبی و در حد معقول آن) ببینیم نه اینکه در درون یک بخش اقتصادی مثلاً کشاورزی از یک سو وابسته و از سوی خود گردان باشیم. این مسئله عدم انسجام برنامه را می‌رساند که با دیدی جامع به مسائل ننگریسته است.

نکته دیگر اینکه در این برنامه وضعیت اقتصادی - اجتماعی جامعه روستایی و عشایری (تولید کنندگان واقعی) چندان حائز اهمیت نبوده، لذا این پرسش به ذهن خطور می‌کند که این همه سرمایه گذاری هنگفت پیش بینی شده چگونه میخواست هزینه شود، درحالیکه جایگاه روشنی برای فعالیت بخشهای مختلف تعاونی، خصوصی، دولتی و... در برنامه روشن نبود. مهم‌تر این که آیا کشت و توانایی اجرایی برنامه با ساختار اداری و سازمانی دولت و نهادهای وابسته به آن هماهنگ

جدول شماره ۱ - حجم و ارزش واردات لبنیات طی سالهای (۱۳۵۴-۶۴)

واحد (هزار تن - میلیون ریال)

سال	حجم	ارزش
۱۳۵۴	۵۲	۶۲۲۱
۱۳۵۵	۶۸	۶۶۰۹
۱۳۵۶	۱۰۰	۹۷۷۶
۱۳۵۷	۸۳	۸۷۵۷
۱۳۵۸	۱۴۲	۱۶۸۸۷
۱۳۵۹	۱۶۶	۲۲۰۳۹
۱۳۶۰	۱۹۳	۳۱۹۴۴
۱۳۶۱	۱۵۱	۲۶۸۲۹
۱۳۶۲	۲۰۰	۴۱۸۶۲
۱۳۶۳	۲۰۷	۳۱۲۲۳
۱۳۶۴	۱۶۸	۲۱۵۱۸

\* لبنیات شامل انواع پنیر، کره، روغن کره، خامه، انواع شکر خشک و کشتک  
 مأخذ - آمار بازرگانی خارجی - گمرک ایران، سالنامه‌های آماری (۱۳۶۴-۱۳۵۴)

جدول شماره (۲): تولید، واردات گوشت قرمز و تغییرات شاخص آنها طی سالهای (۱۳۵۴-۶۴) - واحد (هزار تن)

سال	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴
تولید گوشت قرمز	۲۴۰	۲۴۷	۲۶۵	۲۳۹	۲۳۶	۱۸۲	۱۵۸	۱۸۰	۲۳۳	۳۰۳	۳۲۲
شاخص تغییرات تولید	۱۰۰	۱۰۳	۱۱۰	۹۹	۹۸	۷۷	۶۶	۷۵	۹۷	۱۲۶	۱۳۵
واردات گوشت قرمز	۷۶	۱۲۲	۱۸۲	۱۳۵	۱۲۶	۱۷۵	۱۶۲	۱۷۸	۲۲۹	۱۹۸	۱۸۴
شاخص تغییرات واردات	۱۰۰	۱۶۰	۲۳۹	۱۷۸	۱۶۶	۲۳۰	۲۱۲	۲۳۴	۳۰۱	۲۶۰	۲۴۲

\* مأخذ: مرکز آمار ایران

بوده و اصلاً امکان پیاده شدن چنین برنامه‌ای باتوان تشکیلاتی اجرایی مطابقت داشته است؟ این‌ها

خود به مطلق حدای از توشتر حاضر نیاز دارد. اما به هر حال جمع‌بندی نارساییهای برنامه اول را در زیر بخش دام، چنین می‌آوریم:

ثابت گرفتن نرخ رشد جمعیت در طول برنامه‌ی پنجساله و دهساله بوده که معادل ۳ درصد گرفته شده، در حالی که آمار سرشماری سال ۶۵، نرخ رشد جمعیت را حدود ۴ درصد عنوان کرده است. الگوی فرضی تغذیه با ارقام ثابت مصرف سرانه شیر، گوشت قرمز و... برای تمام دهسال برنامه نادرست است، بخاطر این که خصلت برنامه ریزی رسیدن به مرحله بهتر است. اگر فرار است الگوی مصرف مواد غذایی ثابت باشد و همچگونه تغییر در آن حاصل نشود، پس برنامه فاقد بویایی لازم است.

کلی گویی در سیاستهای اجرایی، اتکای اساسی به اصلاح نژاد بدون در نظر گرفتن نیازهای تحقیقاتی آن، عدم تنظیم برنامه تامین خوراک دام و پیشگیری از بیماریهای دامی، بالا بودن حجم عملیات برنامه و عدم تناسب آن با قدرت اجرایی دستگاههای ذیربط از موارد دیگر این نارسائیهها است. همچنین در تدوین روش اجرای این برنامه‌ها، به ساختار اقتصادی - اجتماعی بخصوص ویژگیهای جوامع روستایی و عشایری توجه نشده و عمدتاً منطبق با برنامه‌های گذشته و بی ارتباط با وضعیت فعلی است.

پیش بینی برنامه اول این بود که در پایان برنامه یعنی در سال ۶۶، واردات گوشت به ۷۲ هزار تن

جدول شماره (۳): پیش بینی پروتئین و گوشت مورد نیاز کشور در بیست سال آینده

واحد (میلیون نفر - هزار تن)

سال	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۸۰	۱۳۸۵
پیش بینی جمعیت ۶۰	۷۳	۸۹	۲۰۸	
پروتئین مورد نیاز سالانه ۵۱۰	۶۲۱	۷۵۷	۹۱۸	
گوشت مورد نیاز سالانه ۳۴۰۰	۴۰۸۰	۵۰۴۷	۶۱۲۰	

\* میزان پروتئین معقول روزانه برای هر فرد ۷۰ گرم محاسبه شده که ۴٪ (۲۳/۳ گرم) آن باید پروتئین حیوانی باشد. یک کیلوگرم گوشت حاوی ۱۵۰ گرم پروتئین است.

تقلیل پیدا خواهد کرد، و در پایان برنامه دوم یعنی در سال ۷۱ واردات گوشت قطع خواهد شد و تولیدات داخلی تکافوی تقاضای جامعه را خواهد داد، اما در سال ۶۵ درست یکسال قبل از خاتمه‌ی برنامه‌ی فرضی، نزدیک به ۲۰۰ هزار تن گوشت قرمز وارد شده است، و این در حالی است که معادل ۸۰ درصد اعتبارات پیش بینی شده در برنامه اول برداشت و هزینه شده است.

برنامه افزایش تولید محصولات کشاورزی

این برنامه در قالب ۲۳ جلد کتاب که به «طرحهای الزام» معروف است، گردآوری شده و برای اجرای آن یک دوره ده ساله (۱۳۶۶-۱۳۷۵)

در نظر گرفته شده است.

برنامه ریزان نتایج کلی برنامه را بدین شرح اعلام کرده اند: افزایش میزان تولید گندم از ۷ میلیون تن به ۱۱ میلیون تن، شکر از ۶۵۰ هزار تن به ۲ میلیون تن، برنج از ۱/۲ میلیون تن به ۲/۲ میلیون تن، علوفه از ۱۰ میلیون تن به ۳۳ میلیون تن (تی. دی. ان از ۱۶/۵ میلیون تن به ۳۰/۷ میلیون تن)، گوشت قرمز از ۴۹۱ هزار تن به ۹۶۹ هزار تن و شیرخام از ۳/۵ میلیون تن به ۷ میلیون تن<sup>۴۷</sup> - بررسی سامی برنامه های فوق و اینکه این ارقام تا چه مقدار مصداق عملی پیدا خواهد کرد و بخصوص این مساله که آیا دسترسی به چنین ارقامی - که بیشتر خواسته های برنامه ریزان است تا امکانات و توانمندی های اجرایی - امکان پذیر است یا نه، به فرصت دیگری نیاز دارد که

دسترسی به ارقام بیش بینی شده در برنامه به سهولت انجام خواهد شد، ولی بحز این مساله در مورد سایر مسائل مربوط به زیر بخش دام سنوات متعددی مطرح است. به عنوان مثال سوال اول این است که در این برنامه بر چه اساسی تعداد دام کشور ۸۸ میلیون واحد دامی عنوان شده و ماخذ آن کجاست؟ در ثانی اگر مبنای آماری جمعیت دامی را برنامه پنج ساله اول فرض کنیم، باید جمعیت دامی کشور در شرایط حاضر ۱۲۴ میلیون واحد دامی باشد. از طرفی معلوم نیست بر چه اساسی ضرائب فنی (واحد دامی) تغییر کرده است. در این گزارش ضرائب فنی برای گوسفند ۰/۸ واحد دامی، گاو بومی ۳/۵، گاو آمیخته ۰/۶ گاو میش ۵ و شتر ۶ در نظر گرفته شده است<sup>۴۸</sup> که با ضرائب فنی عنوان شده توسط وزارت کشاورزی

جدول شماره (۴): واردات گاو خارجی به لحاظ تعداد و ارزش طی سالهای (۶۵-۶۰). واحد: رأس (دلار)

سال	۶۱-۶۵	۶۲-۶۱	۶۳-۶۲	۶۴-۶۳	۶۵-۶۴
تعداد گاو رانده اتی	۳۵۰۰ (آلمان غربی)	۱۶۸۰ (کانادا)	۱۳۶۳ (هلند و دانمارک)	۱۵۰۰ (هلند)	۸۰۰۰ (دانمارک و آلمان غربی)
قیمت هر رأس گاو	۷۱۱	۳۲۰۰	۱۰۰۰-۷۴۲	۸۴۰	۱۵۵۰-۱۰۰۰
قیمت کل	۲/۴۸۸/۵۰۰	۵/۳۷۶/۰۰۰	۱/۲۰۸/۲۰۰	۱/۲۶۰/۰۰۰	۱۱/۰۰۰/۰۰

ماخذ: وزارت کشاورزی \* کشور مورد قرارداد

از محدوده ای این گزارش خارج است، اما به عنوان یادآوری و تذکر می توان اشاره کرد که این برنامه از نظر چهارچوب برنامه ریزی و سیاست گذاری هیچ فرقی با برنامه اول توسعه کشاورزی (۱۳۶۲-۶۶) نداشته و حتی در مواردی از آن ناقص تر و مبهم تر نیز می باشد. بهر حال تدوین این برنامه، بدون ایجاد تغییرات اساسی و ساختاری و رفع ایرادات و نارسایی های موجود در برنامه اول (۱۳۶۲-۶۶) باعث می شود که اشکالات حاکم بر برنامه اول، بدون هیچ کم و کاستی به برنامه جدید نیز منتقل شود و در نتیجه باید به ارقام ارائه شده در برنامه «افزایش تولید محصولات کشاورزی» بادیده ی شک و تردید نگریست.

### تامین منابع غذایی

در این برنامه تامین منابع غذایی، چنین پیش بینی شده است. تی. دی. ان (T.D.N) حاصل از مراتع و علوفه دیم و آبی، بقایای درختان میوه و محصولات زراعی، مازاد محصولات زراعی، علوفه اراضی آیش و علوفه حاصل از ضایعات میوه و سبزیجات در حال حاضر (سال ۶۶) ۱۶/۵ میلیون تن می باشد که با توجه به تعداد دام کشور ناقص و ناکافی است و در طول و خاتمه ی برنامه این میزان افزایش پیدا کرده و به ۳۰/۷ میلیون تن خواهد رسید<sup>۴۸</sup> و در این میان بیشترین سهم تولید را علوفه حاصل از مراتع کشور در بر می گیرد. در شروع برنامه یعنی سال ۶۶ «تی. دی. ان» در نظر گرفته شده برای هر واحد دامی ۱۶۰ کیلوگرم (به استثنای گاو اصیل و آمیخته) بوده که مقدار آن بالغ بر ۱۵ میلیون تن می باشد و در سال ۷۵ که مقدار «تی. دی. ان» به ۲۵۰ کیلوگرم می رسد. جمعا به ۲۸ میلیون تن نیاز خواهد بود که ظاهرا

در گذشته (بیش از تدوین برنامه فوق) اختلاف محسوسی دارد.

به هر حال اگر جمعیت دامی با ضرائب فنی قبلی و آمار سال ۶۱ (سال پایه برنامه پنج ساله اول) در نظر گرفته شود، رقم فعلی جمعیت دامی ۱۲۴ میلیون واحد دامی خواهد بود که در این صورت برای خوراک آنها به «تی. دی. ان» بیشتری - حدود ۴ میلیون تن - نیاز خواهد بود که این رقم در برنامه منظور نشده است.

علاوه بر آن از آنجائی که در این برنامه «تی. دی. ان» دریافتی از مراتع کشور سهم بسزایی را به خود اختصاص داده و حساب جداگانه ای برای آن باز شده است، جا دارد به مسائلی مانند شناسایی مراتع کشور (از طریق عکسهای ماهواره ای، عکسهای هوایی، مطالعات زمینی)، طبقه بندی اراضی مرتعی بر اساس آمار به هنگام، شناخت گونه های غالب و مهاجم مرتعی، میزان بارندگی و پراکندگی آن، میزان تولید و ظرفیت های بالقوه و بالفعل در سالهای خوب، بد و متوسط، تعداد دام موجود و تغییرات آن در طول سال، مشخص شدن وضعیت مراتع به لحاظ حد تعادل دام و مرتع توجه شده و برای آنها برنامه ریزی شود. همچنین مسائلی از قبیل نقش دولت و دامداران عشایری و روستایی در رابطه با سرمایه گذاری جهت احیاء و اصلاح مراتع کشور و نحوه مشارکت آنها و انتخاب شیوه های مناسب در زمینه های سرمایه گذاری و روشهای اجرایی با اهمیت می باشند و باید برای تک تک آنها پاسخی عملی یافت تا از آسیب پذیری برنامه جلوگیری شود. علاوه بر مسائل فوق در مورد تنسيق مراتع که از ابعاد اجتماعی، سیاسی بالایی برخوردار است باید از زوایای متعدد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی مطالعات عمیق و گسترده ای صورت بگیرد تا بر اساس آن بتوان برنامه تنسيق مراتع

\* در برنامه تامین منابع غذایی به راه حلهایی چون طرح جامع اصلاح نژاد گاو کشور، طرح احیاء و راه اندازی و ایجاد گاوداریهای صنعتی و نیمه صنعتی و طرح پروار بندی گوساله اشاره شده است که این طرحها بیشتر بر محور تولید با روش های پربازده متمرکز شده و در آنها اشاره ای به تولید کنندگان، شیوه های تهیه تولید و به ویژه شیوه تولید سنتی نشده است.

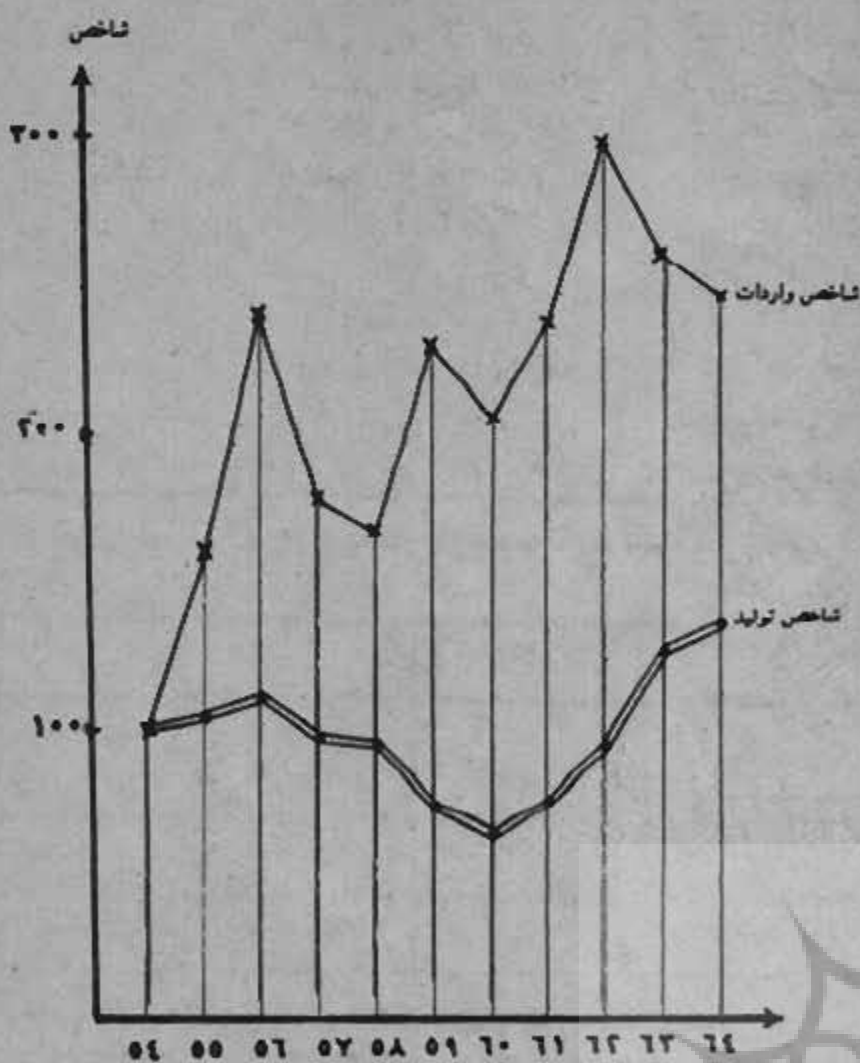
کشور را تنظیم و تدوین کرد، والا با شتابزدگی و برخورد های موردی و مقطعی نمی توان با نتایج و عواقب اجتماعی و به ویژه سیاسی آن برخورد کرد. بهر حال جمع بندی ای که از برنامه تولید علوفه مرتعی می توان داشت اینست که علاوه بر نارسایی های موجود در برنامه، سیاست ها و روشهای اجرایی آن نیز ناقص و ناکافی به نظر می رسد. بهداشت دام

در برنامه افزایش تولید محصولات کشاورزی بهرامون بهداشت دام آمده است: «ضایعات و تلفات دامی از ۵۶ درصد به ۲۷ درصد رسیده که در طول برنامه دهساله سطح آن از ۲۷ درصد به ۱۵ تا ۱۷ درصد کاهش خواهد

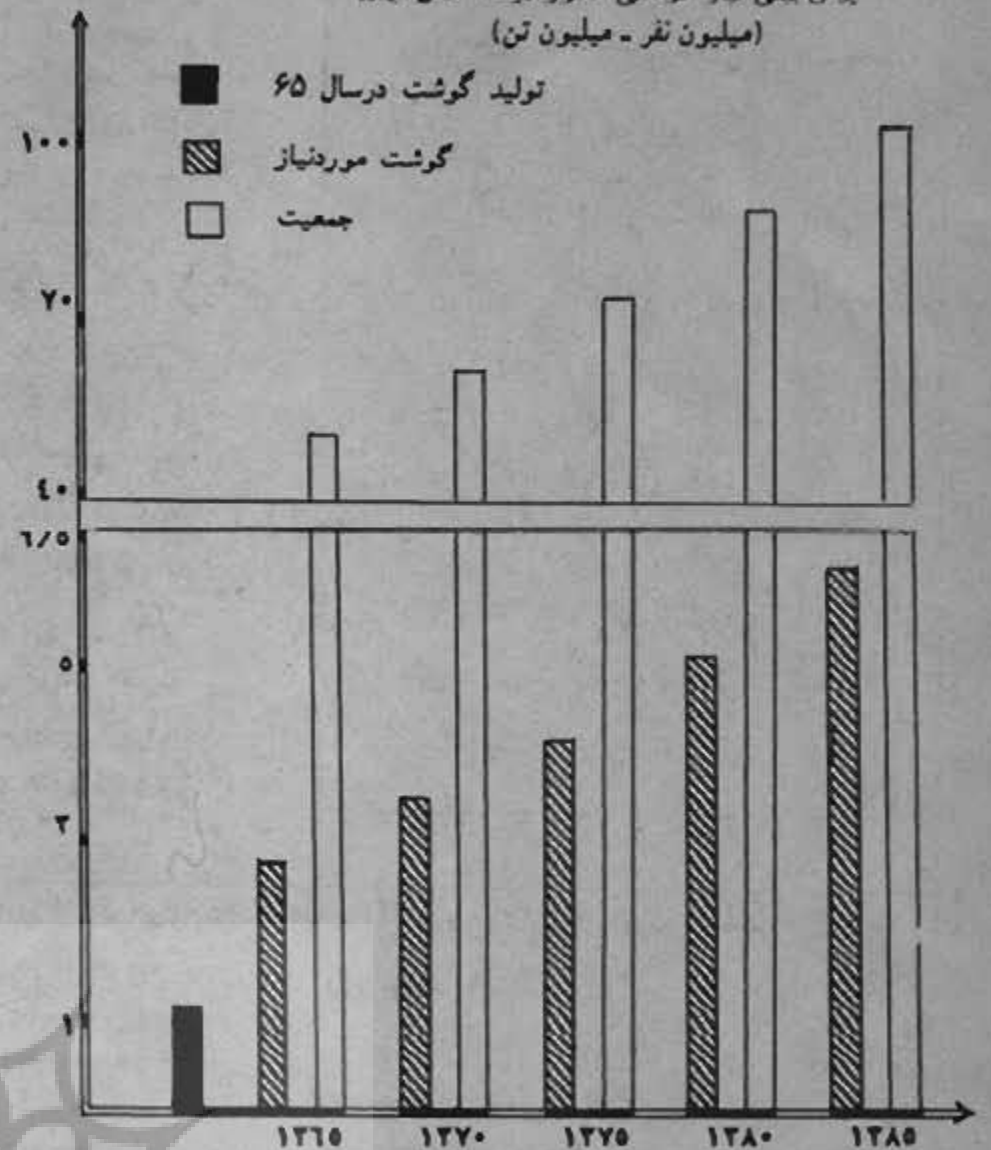
یافت» (۵۱). اگر ضایعات و تلفات دامی چنین کاهشی پیدا کند جای بسی امیدواری است، اما قبل از اینکه برنامه مورد پیش بینی اجرا شود، باید پرسید که بر اساس چه سند و مدرکی سطح تلفات و ضایعات از ۵۶ درصد به ۲۷ درصد رسیده است؟ دوم اینکه کاهش ضایعات و تلفات با کدام بشتوانه و امکانات عملی می شود؟ به ویژه آنکه کمبود شدید پرسنل بخصوص کادر فنی و نارسایی های موجود در شبکه دام پزشکی کشور اشکالاتی را در اجرای این برنامه ایجاد خواهد کرد.

محدوده عملکرد طرح بهداشت محیط که در دو زمینه «انتقال دامداریهای آلوده به مناطق دیگر» و «بهداشت محیط چراگاهها» تنظیم و تدوین شده، بیشتر مربوط به تعداد محدودی از دامداری های صنعتی و نیمه صنعتی است که عمدتا در اطراف تهران مستقر می باشند و لذا در این طرح به اماکن دامی دیگر علی الخصوص دامداری های سنتی و همچنین به نحوه ی بهداشتی کردن آغل و اصطبلهای غیر بهداشتی سراسر کشور توجهی نشده است. علاوه بر آن، برنامه ی بهداشت

نمودار مقایسه‌ای شاخص‌های واردات و تولید گوشت قرمز کشور در سالهای (۱۳۵۴-۶۴)



بیش بینی نیاز گوشتی کشور در ۲۰ سال آینده (میلیون نفر - میلیون تن)



گذاری ای ابتدا در این زمینه انجام شود. البته مسأله این نیست که نباید گاو خارجی وارد کرد، بلکه منظور این است که همه جوانب مسائل در نظر گرفته شده و به عوارض منفی آن نیز توجه شود.

برای نمونه و بنا به اطلاعات بخش قرنطینه‌ی سازمان دامپزشکی کشور اکثر گاوهای وارداتی حامل بیماری‌های ویروسی و خطرناکی مانند سل، بروسلوز، بون و «I.B.R» (نوعی بیماری عفونی گاوی) بوده‌اند که در نتیجه گاوهای بومی را نیز مورد تهدید قرار می‌دهند و برای کشور نتیجه‌ای جز افزایش بیماری‌های دامی نخواهند داشت. علیرغم این مشکل، مسائلی از قبیل آلوده کردن محیط و زیستگاه جمعیت دامی، افزایش تلفات، خروج مبالغ زیادی ارز جهت واردات دارو- مواد ضد عفونی کننده و وسایل دامپزشکی، مواد خوراکی، توزیع نامتعادل خدمات دامپزشکی و اختصاص آن به تعداد محدودی از گاوهای صنعتی (به طریقی ۳ درصد از کل گاوهای کشور، حدود ۹۰ درصد امکانات و خدمات درمانی و بهداشتی را در اختیار دارند) و تحلیل منابع ژنتیکی (نژادهای بومی کشور) بی‌آمدن منفی سیاست گذاری‌های موجود در بخش دام می‌باشند.

اگر قرار است روی واردات گاو کارهای ژنتیکی انجام شود، مسلماً این کار زود بازده نبوده و حداقل به ۱۰ سال کار مداوم تحقیقاتی نیاز دارد و علاوه بر آن تازمانی که شناسایی جامع و کاملی از نژادهای خالص و بومی کشور به عمل نیامده، مسأله اختلاط ژن و تلقیح مصنوعی را باید با احتیاط دنبال کرد و آنرا در اولویت‌های بعدی قرار داد.

در برنامه پیشنهادی هر چند بر اصلاح نژاد و

مروری گذرا بر واردات ۵۲۰۰۰ راس گاو اصیل خارجی از سال ۱۳۱۳ تا سال ۱۳۶۱ و واردات گوشت، شیر، پنیر، کره، خوراک دام و غیره که با صرف هزینه‌های سنگین ارزی صورت گرفته، و همچنین نیاز روز افزون فعلی کشور به این مواد، موید این حقیقت است که این جهت گیری صحیح نبوده و نتوانسته است منجر به توسعه واقعی دامداری و ارتقاء سطح تولیدات تا حد خود کفایی گردد. در حالیکه اگر برنامه‌ها عمدتاً حول افزایش راندمان تولیدی گاوهای بومی کشور متمرکز می‌گردید، با توجه به تعداد زیاد آنها، با اندک افزایشی در راندمان تولید در واحد دام، حجم کل تولید افزایش بسیار زیادی می‌یافت... (۵۳)

همانطور که اشاره شد واردات گاو خارجی از سال ۱۳۱۳ آغاز شده و بتدریج بر تعداد آن افزوده شد و در حال حاضر میزان آن به ۳۰۰ هزار راس رسیده است. هزینه‌های خرید گاو طی سالهای ۶۰ تا ۶۵ افزایش زیادی داشته، به طوری که از ۲/۲۸۸/۵۰۰ دلار در سال (۶۰-۶۱) به ۵/۶۱۰/۴۴۶ دلار در سال ۶۵ رسیده است که رشدی معادل ۲۲۶ درصد را نشان می‌دهد. در مجموع طی سالهای ۶۰ الی ۶۵ نزدیک به ۲۰ هزار راس گاو خارجی به ارزش ۲۷ میلیون دلار وارد کشور شده که اگر بخواهیم هزینه‌های حمل و نقل، دوران قرنطینه و تاسیسات... را به آن بیفزائیم این رقم از ۵۰ میلیون دلار نیز فراتر خواهد رفت.

باتوجه به اینکه در حال حاضر ۴۹ درصد شیر تولیدی مربوط به گاو بومی و ۱۳ درصد مربوط به گاو اصیل است و همین طور ۳۰ درصد گوشت قرمز تولیدی مربوط به گاو بومی و تنها ۲ درصد سهم گاو اصیل می‌باشد (۵۴) اگر قرار است یک کار کیفی در زمینه دامداری و دامپروری صورت گیرد اولویت اول باید بر روی امکانات داخلی و بومی متمرکز شده و هرنوع سرمایه

چراگاهها، فاقد توان عملی برای پاسخگویی به بهداشت محیط دامداریهای کل کشور است. همچنین در این برنامه علل نابسامانی اوضاع دامی کشور، انحطاط نژادی و ظهور خواص منفی از نظر قابلیت‌ها تولید در دامهای بومی به ویژه گاو و گوساله، نارسایی در امور بهداشت و درمان، بانین بودن سطح آگاهی دامداران در زمینه مسائل و اصول فنی و علمی دامداری و پرورش دام، وسیع بودن دامنه دامداری به شیوه سنتی و ضعف بنیه مالی دامداران و ناکافی بودن برنامه‌های حمایتی و هدایتی دولت بیان شده و برای غلبه بر مشکلات فوق و رسیدن به خود کفایی راه‌هایی چون طرح جامع اصلاح نژاد گاو کشور، طرح احیاء و راه اندازی و ایجاد گاو‌داریهای صنعتی و نیمه صنعتی، طرح پرواربندی گوساله (۵۲) و... تدوین شده است.

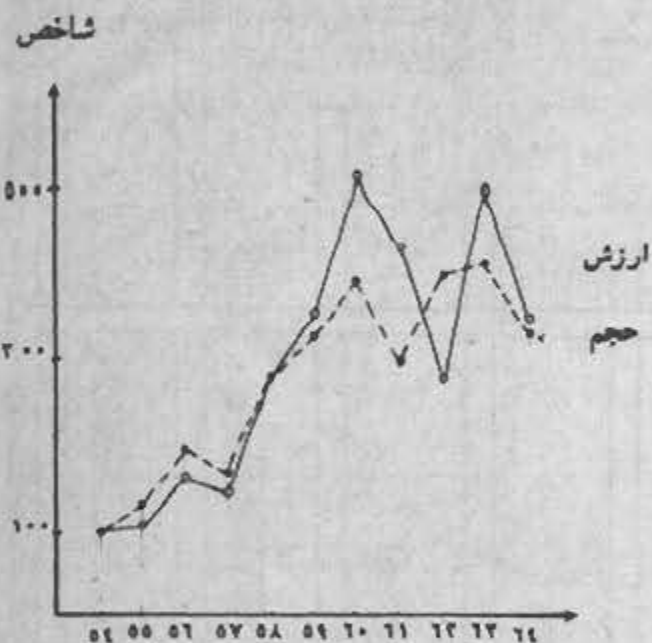
همان طور که مشاهده می‌شود این طرحها بیشتر بر محور تولیدات با روش‌های پر بازده متمرکز شده و در آن‌ها اشاره‌ای به تولید کنندگان، شیوه‌های بهینه تولید و به ویژه شیوه تولید سنتی (دامداری عشایری-روستایی) نشده است. علاوه بر آن تفکر حاکم در این برنامه ریزی بر روی دامداریهای صنعتی دور می‌زند که این دید منجر به بیش بینی واردات ۶۰ هزار راس گاو به ارزش ۱۳ میلیارد ریال (بصورت ارز) شده است که فقط ۱۵ هزار راس آن جهت جایگزینی گاوهای اصیل معدوم شده (بعلت بیماری سل و بروسلوز) در نظر گرفته شده که این خود حاکی از عدم کارایی سیستم قرنطینه‌ای و نارسایی شبکه بهداشت دام کشور است. علیرغم اینکه در کتاب دهم (پروتئین حیوانی) بر واردات گاو خارجی تاکید شده است، تجربه تلخ و بی نتیجه این سیاست (واردات گاو) در کتاب چهاردهم چنین بیان شده است: «...»

## \* در دهساله ۱۳۵۴-۶۴

تولید گوشت قرمز ۳۵ درصد و واردات آن ۱۲۲ درصد رشد داشته اند.

نمودار شاخص واردات مواد لبنی به لحاظ حجم و ارزش

(۱۳۵۴-۶۴)



## \* افزایش میزان تولید گندم از

۷ میلیون تن به ۱۱ میلیون تن، شکر از ۶۵۰ هزار تن به ۲ میلیون تن، برنج از ۱/۲ میلیون تن به ۲/۲ میلیون تن، علوفه از ۱۰ میلیون تن به ۳۳ میلیون تن، گوشت قرمز از ۴۹۱ هزار تن به ۹۶۹ هزار تن و شیرخام از ۳/۵ میلیون تن به ۷ میلیون تن به عنوان نتایج برنامه «افزایش تولید محصولات کشاورزی» اعلام شده است.

عنوان بخش تعاونی (روشن نیست) زیرنویس ها:

۴۱- نرخ رشد جمعیت کشور بر طبق آخرین سرشماری نفوس و مسکن، معادل ۳/۹۷ درصد بوده است. (برای اطلاع بیشتر به نشریات شماره ۵ و ۶ ماهنامه سیاسی - اقتصادی اطلاعات رجوع شود.)

۴۲- مأخذ: آمار بازرگانی خارجی - گمرک ایران - سالنامه آماری ۱۳۶۴

۴۳- مأخذ: بانک مرکزی - ارزش دلار در سال ۶۴ معادل ۷۵ ریال محاسبه شده است.

۴۴- تولید انواع گوشت در سال ۶۵ به ترتیب: گوشت قرمز ۵۵۰ هزار تن - گوشت طیور ۲۵۰ هزار تن و گوشت آبزیان (شیلات) ۱۵۰ هزار تن برآورد شده است. (مأخذ: وزارت کشاورزی)

۴۵- نقدی بر: اهداف کمی توسعه کشاورزی در دوره ۱۳۶۲-۷۱، نوشته فرهاد ماهر، مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی (وابسته به وزارت کشاورزی) - ۱۳۶۲

۴۶- اهداف کمی توسعه کشاورزی در دوره ۱۳۶۲-۷۱ دفتر برنامه ریزی و بودجه وزارت کشاورزی ۱۳۶۱.

۴۷- برنامه افزایش تولید محصولات کشاورزی (۱۳۶۶-۱۳۷۵)، کتاب اول: کلیات، وزارت کشاورزی، دیماه ۱۳۶۵.

۴۸- مأخذ بالا، کتاب چهارم «علوفه» جلد های ۱ و ۲.

۴۹- مأخذ بالا، کتاب دهم «پروتئین حیوانی» جلد ۱.

۵۰- برای اطلاع بیشتر و مقایسه مجدد ضرایب فنی به «اطلاعات سیاسی - اقتصادی» شماره ۸ رجوع شود.

۵۱- برنامه افزایش تولید محصولات کشاورزی (۱۳۶۶-۱۳۷۵)، کتاب دهم، جلد ۲ «بهداشت دام».

۵۲- مأخذ بالا، کتاب دهم «پروتئین حیوانی» جلد اول تولیدات دامی.

۵۳ و ۵۴- مأخذ بالا، کتاب چهاردهم «برنامه جامع تحقیقات کشاورزی».

بهبذینی گاو بومی تاکید شده، اما هیچگونه برنامه و سیاستی برای «حفظ نژادهای خالص»، جلوگیری از اختلاط نژاد دام ممتاز بومی و همچنین چگونگی عدم گسترش برنامه تلقیح مصنوعی در مناطق زیستی این قبیل دامها در نظر گرفته نشده است. در مجموع اگر بخواهیم با دید اقتصادی به مساله واردات گاو نگاه کنیم، باید بگوییم که این کار از نظر اقتصادی قابل توجیه نیست، چرا که طبق برنامه پیش بینی شده بعد از اینکه واردات ۶۰ هزار راس گاو در ظرف سه سال متوالی (۱۳۶۸-۶۶) خاتمه یافت (سالی ۲۰ هزار راس)، اگر در برنامه خللی ایجاد نشود، در پایان حدود ۵۰۰ هزار تن اضافه تولید در شیر و قریب به ۱۲ هزار تن اضافه تولید در گوشت خواهیم داشت و باز این سنوال مطرح است که با پرداخت هزینه های گزاف ارزی و وابستگی حاصل از آن، و مشکلاتی از قبیل کمبود خدمات بهداشتی، منابع محدود غذایی، هزینه های تاسیساتی و... این کار تا چه حد برای جامعه و مجموعه اقتصادی ملی فایده خواهد داشت؟

از طرفی در این برنامه الگوی مصرف مورد نظر و نقش تولیدات دامی، از توجیهات فنی، اقتصادی و اجتماعی برخوردار نیست و آنچه در آن منظور شده، افزایش تولید در ارتباط با افزایش جمعیت است و معلوم نیست جایگاه الگوی مصرف بخصوص در رابطه با نیازهای فیزیولوژیکی بدن در این برنامه چه جایگاهی دارد. همچنین در این برنامه، مصرف سرانه ثابت در نظر گرفته شده است، در حالیکه سمت گیری برنامه باید مرحله به مرحله رو به بهبودی و توسعه باشد و الگوی مصرف نیز حرکتی به سمت مصرف استاندارد داشته باشد. بنابر این مبنای الگوی تغذیه در مورد تولیدات دامی، مطابق با نیازهای جامعه نبوده بلکه صرفاً با توجه به میزان عرضه و تولید محصولات محاسبه شده است.

در پایان باید گفت چهار چوب کلی این برنامه و روشهای اجرایی آن با ساختار اقتصادی - اجتماعی کشور هماهنگی نداشته و کاملاً سرمایه برمی باشد ضمن این که در این بین، حدود فعالیت بخش های سه گانه دولتی، خصوصی و مردم (به